ash in

۳۰ قران

يا د واشت يومنيه

، ۲۵۰۰ مېزان

مریض در کش وقوس مرك است ه اهل خانه _ قوم و خویش - درو عيسايه ت كمام طبايت ميكنند .

يَبِرِهُ زَنْهَا بَانَهُ أَقُ مِن كِوْبَنْدُ ﴿ خَنْكِي أبيد داد ودو سه شاخ خون كرفت ،

باعلقاد بی از عمه جانها - حجامت خوباست وخُنكي دكريهتر ـ اما زود ـ همجو فورا ـ بايد الاي س مريض لخم شكست: از جدم بد قائل لباديد .. ا ر ميدالمعبدة چه می کند ۱ ه

همصيره بزرك مريض به خاكشي يخ مالم مملقد است ، از جدمش ضرر ديده از خاکمی یخ مال 🕳 مرکز ا

مرد های خالواده درآن اطاق زاویه سر طهرب مياحه دارند :

منبد مامي سو در دليا بمدر از مكيم إشى كوبة إجهاؤها عدا مكبم خلق الكرده : بالجربه - مدين - خوش قدم -دواهاش البام قدين به بجوهر مومي اسلا املناد الدارد .

يمر حاجي هو يك طبيب ايدراني و فرای خویی، سراغ میدهد که هم دواههای خودمان وا بدأست وهم از جوهريات سر رشعه دارد و پش صحوم سلطان درس خوانده ودرعكمه دكر محبد كافسر لنعفه تویس کرده ۰

مربض در کئ وقوس مرك است. عقيده بيره زنها _ اعتقادى عداجان ر همشيره يزرك و حاجي صو واقا زادهميج مسكدام جز فوت وقت تتهجه المارد .

أين مرض بيعل علاج يذير ليست-المجراح خبر بايد كرد يا غمال ا

ایران ماهم بهمین درد میتلا است س وکار وخویش و بیکانه هر کس القاري داوه ، من كدام حرفي ميزنند ، هيجده سأل ـ به هيجدده ا - سه

مرابه شق سال است حرف مبزاند. مهجه آنتند شهبه به الجواز خلی و

المحكيم باش هاى مجرب ، بحكيم باشى كوجه بإجهالوها ما يحكم بإشى هأى دوبهاؤه دوا فرنک دان وطب ایرانی شناس ، بهمه اينها رجوع شد.

1 April

ما هميج امن كو أيهم ... از اوضاع

قدروبريشاني بشت همة راخم كرده ..

هم چیبوده اند .

ابنطور ابست ا ور این مباله دولت های ما بحه مشفواند ۽

وراى وقع فقر عومى نقشة أسالاح

ند ۱ له پرای ارپېت مردم فکر می کنند ۱

× 14- 04

از خودشان سؤال باید کرد -

ما مَى كُو قُيْم بأين والذاريات خالمه

دستجات - احزاب - شریه کردانهای سهاسی و رؤسای عاکمت همه باید مملقد معوند که رویه ۱۲ امروزشان مدبود · اکس پهمين شهوه پيش پروند آيران لمام خواهد

عاكمت محلساج به لنبيرات اساسى و اسلاحاتمادي شربي است كالمجزيك حكومت مقلدر هيچ وسيله ديگر ندارد .

با باید کدمکش و دسته بندی و ادنیاله دُاد - بسرو مفار همد اس زد - قعش كفن ﴿ بِد توشق و كذاءت ايران بعيره و باید منه از هم دست بگشند و السلبم بك حكومت مقلدرى بدوندكه أبرازرا أباد و سنقل وقابل بقا كند .

﴿ الرَّبِيِّ ثَالَى رَأْ مَى بِسَنْدِيدٍ زُودُدست بكار بابد فند وقت ما كمتر از آن است كهشماهمال

"ساست درخاره آلماني آ

دولت المان يراي أجأت از وضبت خَطَرُ الى كه علكت را دارد يُطْرف آنارش سوق میدهد قدام مهم جدیدی می اماید

كنزل فاحش مارك كه اقربيا بمنز له صفر وسهده بود أوليأى امورألمان والمجيور نموده كه زودلر وأه نحاكم بمدانماند بناء عايهذا دولت ور سدد است كايول جديدي را يحاى مارك يجريان الداز د ليكن برای تبل با بن مصد اقلا سه منتهوقت لازم است ولی معلوم البست **سک**ه دوات

كنونى ناموعد مزيوردوام خواهدداشت ياخير درهه صورت امیدو أری مبتوان داشت جبزی که هست ا مواج موحش کمو سیم علکت را سخت الهديدين تمأيد

سترسما ن صد ر اعظم آلها ن حق داشته است که در شمن اطنعی که در ۲۶ اوت ماش أبراد كرد اعلان نهايد كهموقم آن رسیده است که دریای آمور ممالك ملیمتین غرش موحشی کند بادی را که حمو م مال را الهديد مهنمايد بشنوند

11190

اول املاح اقتصادى

عصر کوانی عصری ایست کاستحکام روايط بين ملل مورد دقت باشد بلكه موقع الخاذ سخت تربن لصميهات سماسي و احِلْمَاعَىٰ وَ اخْلاقِ أَسَتَ وَ اللَّهِ لَهُمْ مَلَلُ إِزَّ فتهجه همأين تصميهات معلوم خواهد كرديد

الاس حوادث عظمي كه اغلباوقات أفكار قديمه وأيطور انقلاب الند زوى والركون المودم بر أروي أوضاع عمومي مألم

﴿ أَكُمْ عَقَيْدُهُ ٱلْحَادُ عُومِي وَاسَأَيْسُ مَالُ كه دول فانح جنك بين الللي ادماي ان وا می آمودند و پس از فتح اعلام میگرند كه اول المبجه فتح ألها همين قضبه خواهد بود خنوز باق است مقدم لرین و مهمارین إقدام دول علم امروز عائمت وقايم خطرتك جديد و فراهم أوردن لوأزم وشعبالى أست كه تمامملل علم وسأبلزندك تمودق باهمديكر و اتفاق در حاصل نهاید

هانطوری که در اول نطق خوداعلام المودم أمروز أز همه جاز لازم كل بسراى ملت المان صلح و ارامش و أزادى وانتظام

برای لبل بابن مقامد ما از هبیج كوله اقدام هيجكونه فدا كارى مشابقه لدَّاريم ولي لازم أست سائسين عاليهم كه ما از انها استمداد مىنمائيم در منصد با ما هدراه باشند نا آینکه زحات و فدا کاری های ما بهدر لرود این قسیه نکته مهمی أحت كه اله قنط حيات و عات ما يسته باو أحت باكه أسأيش و أستراحت و صابح تمام اروبا يا انقراض و انحطأط ان يسته يه حصول يا عدم حصول ابن مرام أست

الزوم سياست اقتصادي

ور مقاله ديروز آفتيم كه دولت دو قدم احتباج دارد . یکی احتباجات عادی كه مؤشوع بعث واقع شد . ديكر احتياجات فوق الماده است كه وجود بول را ينوريت ایجاب می کند . برای این قسم احتماجات دولت استقراض مي كند ـ و البته ارجبيع دارد که از داخه قرض محتد تا از

شايد إمقيده من إيخنديد و يكوثبد که در آبران به باشماقیی هیئت وزراء اکر ده کرمان پخواهد قرض می دهنسد ولی په

دولت عليه عالك محروسه شفن هزار ساله أبران بك شامي قرض كي أمي

يله - أمروز له قنط خارجه إعليار امی آند یما قرض بدهد - بلکه هرجبك از افراد مات تحبب اعتماد بددان خود

در این صورت اکر هیچیکی بسدا لشود که يما قرض بدُّهد 🗓 آيا ما بابد از كرسنكي بميريم ؟ - ادارات ما بايد مطيل

یس باید فکری اندیشید و اعتماد و اطمينان درميان افراد علكت ايجادكرد . نباید از قرض دادن بدولت و ۱۹۸۱ کرد زيرا بُدُولت قرض دادن يمني از يك دست دادن و ازدست دیگر کرفتن یا پنی پخرانه أو يك طرف بول رسائدن و أزطرف ديكر مريافت كردف و بجريان انداختن هان يول . بحريان الداختن بول هم بمنزله رواقي بازار

وفق که دواق به پول احتیاج دارد ــ در خارجه مرسوم است که از بانسك خود بعني والك دو أي استقراض مي تند . عه

ـ اسكناس •

كجارت ولوليد فروت أست .

دوات ما احتمال دارد التوائد إزبانك شاعلنام جنبن استقراش بكند زيرا در أمتراز نامه آن ابن مسئله قيد اعده أست . يك دولت با كنابق اكر سر كار باشد

مي اوالد در أين موضوع با بالك شاهنشاهي داخل مذاكره شود ، عجالقا جون ابنساله مربوط به دولت و باتك من دو من باشد ما مورد بحث قرار تمیدهیم کی کی

٨ دييم الأول ١٩٢٢ (١٩) اكتبر ١٩٢٢.

وسالهانه شعيامه

برور ما مره تلنون ۲۹۰

خارجه بملاوه اجرت بست

جه اشتراك : داعله ١٠٠٠ قران ٥٠ قران

أَزْ طرف ديكر عاالمور كه ديديم كسى هم يدوات قرض أمي دهد زيرااعتماد و الحمهنان درکار ایست . هنوز گاریخ بالک ملی از نظر ما مو اعده که مردمود بخت با حرارت زیاد کول خورده ده هاهن ار اومان بان ،ؤسمة موهوم دارند ومعلوم نند يسبب کی رفت و چه هد ،

إن أيد أرابي المخاد كرد و طرحي ریخت که هم مرجب معیرندن دولت بدود و هم سه خمار کرور بول فراهم شود که دولت احلباجات فوری خود را رف م شد و یك شاوده مسین و شعیعی از تو

اکرزمانداران ما ۔ با وجودیںاطلامی و بن علمي لا اقل اينقدر نجكار ووداد كه علات ساير عالك را مورد دقت قرار من دادند حدس میزدند چه راه حلی پیسدا اد کرد •

این راه حل کدام است ۹ طربق حل این است که دول پیجك خزانه سادر کند

وبجك خزانه جبت و چكونه بايد در شماره های آئیه بدفت بهنوانید

بِعَلِم آقاى قهبم اللك

را جع بقانون استخدام

أسارسخ شروع أجراي أين قانون معفول خدمت هستند و يا با داختن سأبقه خدمت شاغل یکی از مقامات مندرجه در ماده ۹۲ م بانند مستعدم رسم محموب أو موافق المكيلات أداري هم وزارت عانه مشاغل اً الها با مراك منظوره در ماده (١٥) ابن قانون الطبيق و از آن قرار با آنها رفتار خواهد شد مشروط بر أينكم الربيخ ورود بحدمت آنها قيسل از اول ميزان ١٢٩٩ بوده باشد

بموجب أين ماده يطور كالمي قانون استخدام و ماده (۲۰) پخصوص انه شده است

ماده (۲۰) من يك از وزار اخالها يا رعايت صرفه و در حدود أحتيها جات اداری نشکیلات و شاغل خود را در تَقَامَنَامَهَاى عُصُوصَةً بِا مُرَائِبٍ مُدَكُورَةً در

ماده (۲۳) مستخدمینی که در | ماده (۱۵) تطبیق مینهایند ولی وجود می بك از مراب مذكوره در وزارت خانها منوط بازوم ان خواهد بود

داراد با مراک مدنسکوره در ماده ۱۵ الحابق لیابند بش از آن از روی خوابی پرسنلی سوابق اشخاس ر_ا از حبث مدت خدمت و لباقت و معلومات معين نموذم و يترايب الاقدم فالأقدم مريك را بكاد وراية كه شايسته مى باشند بكيارند و مر أدارة که مستخدم کسر داشت از ادارات دیسکر استخدام مند كا بالاخرم بس از تكميسل الشكيلات ادارات عدة كا باق مي مانلد جون قررا آر حیث مدت خدمت و شرایط دیگر

وبرامطايق ماده ٧٠ مي بايــقادارات دولتی اول احتیاجات حتی خودرا در نفار آورده و تظامناه تتكيلات آن را تهيه كنند و مشاغل أدارى را اسيت باهبقك

T toming

هُهُر فَمَا وَإِقْدِعِ أَسَتَ أَوَاخِرَ مَاذَ صَفَرَ جِنْدُ

المر درب آلجا را شكسته و دوجنازه بيرون

آوره، من جه بوده آلش زده الله صبح

أهمالى دكاكبين را إسقه هنسكامه بيا لموداد

أيات جند أقر را دستكير تموده است

وباء قصر ديرين

برطیق راپوری که از رایس صحبه

أقسر أغيرين رسيده است از ٢١ ميزان الى

۷٤ شش نفر ممثلاً و دو نفر معوفي يوده

أزروز ۲۶ به بعد كسي أبللا لشده ومرض

المناس كتبيها

شال غربي وفرمانده كل قواي آ دربايجان

التشار داده شده كه الخلر باحبت آن عينساً

حب الام مبارك بندكان حضرت

كتلبهأى إسارقديم اسارجديا

گئیبهای ارکش اسای قدیم اسای مهدی

اشوانودنابارأ سباروسبه أزاد خورشبد

ادمرال پېلوی

استأسبونى كيان

فزاق أيران

الوكو الإيموت

خرتوزولف ساء

الريز - اعلالي ازطرف ابرلشكر

هم از قره او سرایت کرده است

مرض میزسااد

علت أر أزريكران إودادعجا للا إيكارميدداد قا در موقع لزوم بخدمت اداری دعوت

مااسفاله ابن مأده بكان عكس أبن المصود بايند و برداخت كسوزات راجعه بعقررى رأ مرسائد و مخصوصا كطيبق مشاغل فعلى با مهاعب مذکورهٔ در ماده ۱۵ بهترین زمینه براي سوء استفاده شده است جنالك الان در بسنى ادارات مناغل موجوده راكافالبا براي طرفداري ابجاد شده است وبأحقوق راک معلوم ایست از روی چه اسول انخاس داده الد ماخذ رقبه شغل قرار داده بدون هبیج مناسبت آباده ۱۵ آملیبق و در نتیجه مده کشیری که آیش از ده دوازده سال مدت خدمت ندارند عنوان مديري كل بيدا مبكسند ولمجع دبكر باروايق طولاني ببكار مهنولد چېزى كه بهرسچرچه مظاور است احلياج اداره واحبت كار و سوايق مستخدم

عب دیگراینکه در اغلب اداراتماین منظرين خدمت مستخدمين وسدين ساله همطد که دوره اداری را بطور صحت طی كرده و وليسه طل وا حال شده الد و امروز که بوجود کیات و اشال آن معاج مهويد فيهواند مسلخدمين ١٢٩٩ را عارج هوده و از ملدسین بعبای آنها بكارقه قالون هم كهير و ليديل معافل وا اجازه اداده است و انكبي به الساف و منطقى أجاره ميدهد كا جند روز قبل از میزان ۱۲۹۹ بانفری که باوسائل خدوسی يدري وعايت كمقين اصول إداري مقام عالى وا باحقوق كافي اشكال تموده است بحال خود ائن ماند ولى اكريك بحار بدوناس و مستهد كا در ماه ميزان آن سنهمندست وأرة عدة و إن از يكال إيشار عدمت المعالى في حقوق علا كاز. رئب، أبالي أبل عده باغد إسارة الحرى متدول المسام قرابط قانون اسلم الله الله الله حكماً خارج شود لا امّل مقلض عدل و انساف أبن بودك اشخامي واكه مطابق عدلول قانون استعندام وارد شده آند يش اعتماناتلازمه را داده و مدت خدمت المدائي راميم طي كرده الد از ابن قاعدة مستشى مهكرداد

ر التظرين ع من فعلى بالوائد لسيت بحاوق القاعمد از ممتورات ابن قانون استفاده کناد باید کسورات، متدرجه در فقرات ۳و ر ٥ ماده (٧٥) اين قانون را كاديه

كشقه مستخدمين را لهز حساب ميكردند و از بایت سنوالی ۵ مقرری دریافت ادا : آه اند ماميانه آنها به لسبت ذبل خواهد بود : (۲) برای مسلخدمیلی که درخین اجرای ابن قانون کمتر از بنج ال حدمت ارلد كا وقع نقاعد صدى بنج وأيم (٢) برای میآخدمینی که پینی از پنج ور سر ز هم سال خدمت دارند أأموقع الماهـــد (Y) برای مستخدمینی که بیش ازده

وكمتر أز بالزده سال طدمت دارك أأوقع لقاعد شش وثبم درصد (٤) براي مستخدميني كه يبيش از ١٥ و كمتر از ٢٠ سال خدمت داراد

كاموقع اقاعد هفت درسد (٥) برای مستخدینی که بیش از ٧٠ سال أو كمتر أز ٢٥ سال علامت داريد كاموقع تقاعه هفت وقيم درسد (٣) برای متخدمهنی که بیش از وى سال خدمت دارند الموقع كقاعد هشت

مِعْهِده جِده مدلول أبن مانه دور از قالون عدل و الساف است زبرا بكفست قالون استخدام را که کسر ازحقوق باشد شامل ما قبل مي نمايد ولي از بايت حقوق منوات كدنته ملاحظه از مستخدم لشده

از ایندای لمیه بودجه اداری و بر راری مقرری خدمت آا کنون ده دوازده ال إيئر لست و در ابن محدث هم سلخدین می ادام مدلی که در سر خدمت يوده الد حقوق دريافت داشته الد

و انتظار خدمت مثل قبل از مشروط، ثانی خزانه دول-ق بإلها ايرداخله است

بنا پر این هیسج منعاتی ایست که از

بابت ،دعی که دولت بهستیخدهبن حقوق اداده است امروز از آنها ما ليه محكسورات مقلس عدالت آن بود که حقوق ایام

> ارمان شهار مبلغی بر حقرق آ ایه آن ها می افزودند ۱ کورات علاوه برصدی پنج موضوع داشته باشد و جون ابن کار کواید فرج و زحمت زَّياد من كرد البله بهتر ابن اللُّت كه دوات از كمورات كذبته صرف فان تدوده و مستخدمين هم از مقرري المسلف جشم ببوشند ومدلول قالون ازناريخ اصوبب آن براى ليام مستخدمين على الدويه بموقع اجرا مذاشته شود و ماده ۹۹ اصلا لفو

داوطلیان خدمت وسمی دو ادارات ایالات

ولايات فقط بايد سلومات لازمه و عرابط

اخلصاص مقرره دراظامنامهاى مخصوسة اداره

زيرامعلومات لازمه و شرايطاختصاص

ودر تظامناههای اداری البله اهمیش

ازلنصبلات ملوسطه بيشتر وراجع يعصبلات

دارس مالیه می خود در اینصورت جگونه

كن است بانبودن وسايل فحصبلات ملوسلة

ولايات داوطليان داراى معلومات عاليه

ر مكر اينكه الصور شود أقابان المايدكان

كمتر از احدولات متوسطه فرض محدده

الناد در انصورت ماده دوم قانون ديسكر

ابن بود شقیدائی که بنظر بنده می

معلومات و شرایط مقرؤه دو نظامنامه هسا

ماده (۷۶) مادام که مدارس متوسطه در آیالات و ولایات تاسیس نشده

للاحتى از ئادبه حقوق كمركى ع ــ كـهيل وماثل مادين صنعي و

فلاحلی از راء روسیه بایران

القصال از خدست برحب بهانهاد وزارت جنك وزارت مالیه اقای سردار انصار وا یکلی از عدست وزارت ماليه ممأف و منفسل امود المعلال لظارت ماليه غرب

تظر باینکه اقای کال الوزاره عمدمات لازمه را در خدود غرب تکبیل تموده و وزارت باله فيلا از انتين و الثارت باليه های غرب میلنی است قدا اداره افاارت باليه غرب رأ منحل امودند

اشكالات عالمه غرب

سيد ولي بالا اد از ابن معايب أممال خرش ملاحقات شعفسي وأ ليعبضائي است كه در ضمن اجرای قانون بعمل آمده است أ وقق كه دراجرای قوالین این رویهسول است بنده با وضع هر قالوان عالم

اخمارشيري

لقاضای کجار از دولت هده کنیری از آقایان مجار موادجهار أنه دُيل رأ إدوات خاطء الثان الموده و مانای اجرای آن را در اسرع اوف ت

۱ - منع ورود اثباء گجمای از

۲ - رفع عوارض کمری وغیر،از

۳ – معافیت ماشین های صامتی و

ينين دارم كمام اقابان كمايندكان دوره رُوز جهار شنيه ابن بكمه، أزنيابندكان چهارم تعدیق خواهند فرمود که این ماده تجار براي مطالبه تليجه اقسدامات دولت أدون مطاله لوشته شده است إك نظرسطمي پندست اقای رئیس الوزراء معرف شده بماده دويم و سوم همين قالون بهتربنشاهد ۾ صدق مرش بند است

شبيخ مرتضي پودند . آقى سين السلطنه كاز اجزاء سابق

أداره فحديديودنداخيا ازطرف وزارت ماليه بسمتدوات تدكيلات ماليات هاى غيرمسكنيم ارب مين شده و بسمت غرب حرک ارداد. ين از أنظام المكابلات دوائر غبر معلم عودت إمركز خواهند امود

كبيبون عقد قرار داد 🦠 🖟 كمهميون ديروز عصر دروزارتخارجه التكبل و نا مدلى از شب رفعه امدهاد

عديده تدايلدكان ايران ير اين يود . كه در شمن مذاكرات شناهي مماثل حل كسفيه شود ولى المايندكان روس القاضا كرداد ك تفاريات لمايندكان أبران فيلاتوشعه عود نا بي از مطالعة و أممان تظرجواب

المایندکان ایران در این قسمتاظهار وافقت کردند وینا شد برای روز پنجشیه البه تظریات خود را فیلا ندوین و درخاسه مورد بحث قرار دهند .

اخار داطر

بسانيه آيت الد خالس عبراز ل اعلامة از طرف آبتات نالس يربن وفارس طبع ومتلفر كرديد بن بر ابنی مطابق احکام آلی برادران اسلام مكنند براى منظ شرافت ديسا و آخرت و جلو کری از قباً وزات مصالن اسلام مرجه بحسكن است آلات و ادوات جنی و کارخانجات تدارای نموده در مقابل كنار قيهيزات سايند براي حفظ سلكت و رفيع اسارت مسامين ابن جالب إداى لداری بك كتق جنسي برای دولت ابران بين قدم،بدوم لازمات سأبرمسلين هم مو این ماصد مرا باری تموده از مر کوته مرامي مطابله كمايند .

امروز آبت الله با علماء منزل أ قا

۷- مرؤ ازفرار مسوح المانادة قاسم كادو ۴ ی دان

ميدان أسب دواني و المتطام قابل لحسين

حم آوری عشر په زیر آب ۔ چلد روزیاست مامورین ماليه با همراهي مادورين خكدومت مثقول

الرئيب خوالده خواهد شد خيابان جديد الاحداث موسوم با طرسکین اسکی و دو شعبه منشعب از آن برابب دبل اسم كذارده شده الله ١ خبابان بزرق موسوم بخبابان شبه ۲ شعبه طرف راست

۳ شعبه طرف چې ار-تکاه جلفای ابران که سابق موسوم بادکورسی بود به اسم جلفای ایران موسوم

المره 🔻 الحكر

الوضيام آلك كشق هاى آهني كه

سابق الحت أمره ١ ألى أمره ١٠ موسوم و

المره دار بوداد كا في السابق بهيان امره

سيزده ايستكاه ديكريه أساى أيزالي موسوم حسيند كما في السابق به عمان اسامي

اشرف و فسرمالده كل قدون مقرر است به کشتیما و جاده ها و اما من اسامی فارسی كذاشة عود ، بنا بر ابن در ۲۰ برج أسب دواله ميزان كميسبولي احضور اما يندكان دواير دولعي اصفهان - روز ۱۹ میزان و ۲۱ ور اداره لدكري درابن باب شعد ومطابق مبزأن مبايله اسب دوالي منظم با عكوى صميم كمسهون اساى مغسمه ذبل جهت زطرف امرلنكر جنوب درغارج شهراسيس الماكن وكنتي ها و غيره كذائته دد كه رؤساى مواثر دولق وكليه مامورين دول بد ما حوم امالي إ مرامات اساس مذكور

خارجه با خالمهای خود و امیان واشراف وبمنى اعالى براى كاشاحنورد أشته ازائماس خارج شاهراده سارم العوله هم جند راس أسب كذارده بودند و بيرق هم بدام منار اليه زده شده مود در خالمه مبدان دوم برق حنرت اشرف وزبرجاك را زدمبودند دو مدال طلا و اقرة جابزه حضرت أشرف و سایر جوائز بدست حکومت جابه ہــه دراگون آذر ایجان

ساحیان اسیها نوزیع کردید . در امنهان اول مبدان اسب دوانی مود كه از جول سأل قبل بابن طرف اشابل ده و قابل توجه مامورین خارجه و اهالی كرديد زحات مرهنك عسد حين مرزا رئیس ارکان حرب در تاسیس و وضیت

جع أورى عشرية أز قراء و بلوكات سواد كوه عبياشند موم اهالي از حسن وفلسار حردم داری اقای سلطان فضل أقد خان پهلوی حکومت نظامی سواد کوه کالدرضایت را دارند ، شخصا همه روزه مشفول رسيدكي بادورات حکومتی و عرایش فارضین هماند

ارخ اجناس هم قدری کران است. الحصار خريد ينيه بار فروش - وزارت خارجه اوسه كذاوى كنكرافا فبفرمايند العمار ينبه موقوف و اجار در حمل بنه ازادند

برای رفع سوء انام عرض می اماید اجارت پلیه ظامرا ازاد است و ایک ملا خریداوی وا منحصر کرده الد تاجاد از این بایت منظرب و خیال کطیل داشتند

انما ہے جلو کری شد النغابات ولايات

. ذبل احت

Laly elic

امين الشرسه

LEC WLLKA

حسيد محى الدين

سلطان العلماء

فزوين

روز كدشته قرائت اراء شده شهر قزوين

١] مَا شَيِخ محمد على المولى ٢ سردار

المرقة لوزيع شده را أردكان ١٦٠١

شروع شد آقا بان ذیل خائز اسکٹر بت

ملعفهم ٢ ميرز ١ اسحستي شهيدي }

اعلان بقراء فرسفاده الد و قرار استاز ۲۵ میزان اهالی در مسجد جامع حاضر و قرائت ارا ء ك روز مه شنبه از

10100

17387

144.1

قرمه یکرند بهیمان مندوق أراء بميهان واطرأف فرائت شده اشخاس ذبل حائز اكشربت هستند آنا مبرزا محد سادق طبا طبائي ٧٧٨٧

أقاى دكار حدين خان احياء الدلطنه ٢٩٠٠ أقلى مفار الملك مندوق رای دو انطه دیگر باقیاست

این دو روز میرسد لا قرجان حفوق المرفان كار اسان و امرى استاها ي أمليار نامه آقاى أقا سيد معطفي بهال و إك قسمة أز سور ت مجلس اللخابات با دوسهه أفدا مات حكومت مراياً با يست قوسط إيالت جايله فرستاده شد كربهت اطفال خودمحروم ميتمايند . . .

---- Confined-1--

است و دیگر اشکالی در آن باقی لبست : آرسولوین ا زبیائی مثل ماد موازل ریسند با آرسن لوین دل آرسن استود می خواهد فرار کند از شدت عشق حیله ای انتخاص فلسمه برده ام در صدد اخسلال حواس و متحتم وسايل زندكاني خود وا بعد از أن حراحت مشرف الوين دو دام عشنش افتاد، و سخت اسراً مند زلنش اس انديشد و شنبه عشم ژوئن باهمدستان خود دختر اكردن مرك خود بر آمده د من بزبر زمين واه مميايم جوان را از حسارت کنت وسورس مبرباید

خود می شود مادمو ازل ویمند کم کم در افار آ دسن لوبن رب النوع سلامق لنها أيست بلكه رب النوع عشق و وجاهت است که به نکامی آمید حیات و آور سعادت

را در قلب لوین ایجاد می کند "

و باری لوین هم زیاء بی احتباط نبوده درمةایل آمی شود کا اواخر که عادموازل ویمند هم میدید، است المعلوم است در ظرف جدل روز معاشرت كا، يكا، دختر ا نا آلجا كه ابن جلس خبيث وقق كه كاملا العسالجية ا و مخصوصاً بعد أز انكا فهميد، أست من بين يزير زمين

اسرارش واضح شود کی الما پنسکر یافتن مادموازل استكه ليه كسى مكن است غير ازاين والصورك الد كُمْ أَبِن حِبَايِت اللَّافِي قُعْل لُوبِين بُوده وَ سَابِق هُــم كُهُ ' كاغية درشكا جي خير آن را داده بوده است ديكر حقمی است _ به بهلید استادی لوین کا جه حد است واجلور قعنهه را پسج در پیسج ولا پنحل کرده پوده ۴ إس همه عقيده بقتل مادموازل ببدا مي سنند ولى أين كاني تبوده آرس لوين مي دانسته است حجه

که نعش ماد موازل ریعند در کنار دریا در ساحل آیپ البيدا شده وحتما هم نمش هان يبجاره است

شداره ۱۵۰

كا حريفة من يشمأ يرسد أمهدوارم

مقالاان که در قحت هنوان و ممار ف را

قرآب كنهد ، درجريدة شريقه منتشرهبشود

ور واقع شده و دولت در فكر خرا ب

الردن الرتبيات فعلى ببنتد - شايد طر ح

نهديدي كه ريخله شد قدري اظفه بعدل ما

اول سال میکذرد و هنوز پودجه معار ف

بن جا لرسمد، . در التبجه مالهه از داد ن

رجه امتنکاف دارد ، از مدارس موجود ،

عده ای منحل شده اند پیده ها ی ما سر

كردان اند ؛ معلمين با يدك حالت كالسر

آوری ادامه حیات میکنند چند روز قبل

اوناع فلاكت بار مدارس را پرسيداد ، اق

مرار مسموع مثار البه جواب داده است كه

ن أز إول سال إبن طرف جندين كاغذ و

المكراف به مركز كرده ام و جواب بالده

من كنند . از أنها إبد يرسيد أبا خودثان

م مهوانده إلدازه ملين ابن جا صبر

ا ازفراری که خرجراید میدهند وزارت

سارف حقوق برع اسدرا هم گرفته و کار

كنان معارف ابن جا از اول حل با بحال

مز مقدار کی مساهده چیزی در بافت

مو مرکز قامل گردن و جند ماه

لى در ولايات و مخسوسا ابن جا ديمجكن

وه صبر كردن لدارد ، ابن است كه مر

سکس بنگر کار بهتری مبافقد و مردم آز

أن زير على ليست و دريا هم امش ماد موا زل وا به

كسار ساحل مي الدازد همه از قشبه بسورت ظامر

ستحضر ميشوند ولي اين طور نبوده باز لوين استادي

بغرج فأده أست قش شخص وا در زبر زمن محراب

اجای خود می کذارد و آجر درب عراب را بقسی

في لهَـد كه يُعض خوردن يك كلك آجر هـاي زير

فرآب شوئد و بروی سر قش بریزند و مندر آو را

داكان المايند كا شكل أو ديده اشود وقيافه أو محمول

بالد من كه داخل زير زمين عدم اكر جه در ظامي

اظهار کردم که این لمش خود لوین آست ولی درباطن

مبحكوله عقيده يحسرف خوذ لدائتهم و هميشه خلاف

معلوم قبست ابن اقابان در طهران به

عده ای ازد رئیس معاوف رفت دعلت

ملاحظه بفرمائهد : اكنون شش ما. از

مردم بد پخت ولایات بیخشد .

مريز ۲۰۲۷ و از امروز اخله ادا م از مكانيب واده م

المرقة كوزيسع شدة عد آباد ١٧٠

أت ٥٨٧ يشلكوه ٠٠٥٠ نا مصر ديروز

أسنهان

أنجمن نظأر مشقول دادن المرقه مستند

ديروز ميانه انتخاص كه از شهر و دهات

در حياط الجنن نفاار جمع شده بودندجهت

كرفان المراكمة ا رات خدوات أميزي شد

اهل شهر مبخواستند از اول امرفه بكبرند

و دهای ها هم خین تقاشا را داشته حکورت

مطلع شده بالصويب انجمن نظار قرار داده

الد اسف روز از روی ساعت اهل شهر

مرفة پکوند و اسف روز آهالی دها ت

أطراف شهر الجمن نظار فدويب لدوده

امروز انجمن نظار لنكبل و جند

برای بلوك قها به هم سندوق بهرستند

31 LS

ر ساير لقاط هم مشتول هستند

ا أر اين مرد قائل وان داوال بود بل دخترهم سنكاسران فررا اینکار وا می کرد ولی آرسن لوین بیجاد عبارت

از عملیات آرسن لوین كاليف: موريس ليلان وسيه : عدي _ كلشالبان

ماده (۹۹) برای اینکه مسلخدمین

بعد خود را برحمت از زمین بلند کرده و بامید بافتن بِنَاعِكَامَى خُودُ وَا كَابِدُو عُرَابٍ مَى رَسَالِدُ أَنْجًا زَبُرُونِينَ مدكور راي إيد و بتوت استفامت عجبي خود را ترديك آن عل نبوده وم خواسته است كه خودرادر

آلجا عنى كند ك مادمو إزل ريمند حر تعرسد لابد قارئين مي دانند كه ابن هانوفت بود ك یکی از نو کرهای خود رادم در خرابه محسراب و دیگری را در میان خرایه های صومه الهاده و خود هاخل محراب مبشود المستحد المستحدث

پدیمی است پخوبی مبلوان حدس زد و ازدنباله وقابع هم اينطور فهميده ميشودكه در باي خود دخستر قلمه وآرد کی شود 🛴 🐪 در در در این حبوان می بیند که یك مرد مجروح افتاده است که په النها اشاره اورا عيوس خواهند كرد

مختصر ویمند را مستحضر می کند و شرح قضیه را من دهد و قائل داوال يمنى كنت را نشان مى دهــد دختر کا حرف ارس لوین وا اور ی کند احمه مي كنم 1 أي الراب الراب الأراب الراب یافت پدست هانکس هاید او را میکشت ا آدم بی کاهی را که در اظر او بدست خود

بجروح کرده است به پایس می دهد ۱ نه با باک-ال نِمْمَ وَمُنفَقَتُ كُم عُمُومَنَ وَعَانَ احت بَاتَاوَاتُ مَوْسُ لُومِنَ الْ زعم او را می بندة كا ديگر خون تبايد و اثر محروح يبدا دود بعد يا كليدي كه خود آرس لوين از جبيش در می آورد و به دختر می دهد در ب زیر زمین **غراب جان ألمهد الله المعالم المعالم** عراب را کشوده و په کمك دخترکه ژبر بازو های اورا می کود داخل انجا میشود دخلر بسرعت در را می

و زرنكي كم لابق بك جدين خباتي بوده أحد پندد و می خواهد خارج شود که یکی از اوکر های

خون که از جراحت لوین رفته پسود پسحل لهسائی ان دود شریر که پدستیاری مادموازل ریمله بارای خود کهبه کرده بود می بردند و او را حتما پدست مي اورداد اما بد بخلاله شف ساعت بعد احقيق آن هم ببك نعو سطعى المجام كرفت بس لوين تجات

و اما در این خموس که چنه کی او را غذا و دوا مي داد معلوماست مادموازل ويعند يود و براى أنكا كابلا خواهش قاب رقبق خود را براوود دل سوختکی خود را در باره آرسن لوین کمام اماید از او نکهداری نمود اا مجروح در زیر زمین مرطوب

و بالاوه ما، مواز مزبور از من لوع نقاب قرو كذار الكرد، و من حالا كه مى تويسم أيد يكويم . كه هدين ماد مواز است كه درشك جي مصنوعي

چند دقیقه بعد مبده بودند از روی آنار ا کند و خلط مبعث بنهاید کافیدی ہویسد کا وای پر مادموازل ریمند ا کسر

إسقاد مارا كنته باشد

حمين شخص احد كه در وقلبكه من داشتم ارلین ملاحظات خود را به مستطق محکمه می کفتم بمن كفت ابن هم يظرم از حكاران دود ها احت زيرا در دو روز پيش او را در جاد خرايه سوست دیده ام نا این وسیه وقتی بهاید و زبان مها که انها مشين قوي خود ميدانست بينده و مسلطق هم أو من

هدبن مدموازل ريمند است كه جهل روز درست ية لوين دوا و غذا من رسالد . إكر حرف مرا قيول الى كسليد يرويد يش دوا فروش قهبه اورويسل به إينيد باسم ماد موازل ريمند جقدر تسخه ينجيده احت بلى بدست همين ماد موازل أست كه بالاخره ارسن لوين در خانه كنت معالجه مبشود

ظبن پدود 💮 🦠 🔻 💮

و اکرکسالی بود لد که عراب را در آن وقع یا اقلا ا در العربات کرده است که کلاه چرمی خود را موض ا (باری این بود او این مسئله مشکل این قسیه که حل هده

پروت در قامه کنت یافته و زنده مالده است و إس مالد مسله درم كه ان هم داراي كتيجه

> زاد کر بعنی وقایم اخیر آمیرو مری است و آن این است کا جرا اکر آرسن لوین صحیح و سالم ازجنکال مراك جان بدر برده و دو باره رباست دسته هكاران خود ورا قبول کرده سعی میکند که کاری کند حکمه از او را مرد. نصور کند و در ابن موضوع زحات و حد و جهد های مهی می شد که در مقابل آنها من دوجار أشكالات زياد شده و حلى جنانكه عمه مى دالند جانم را هم كاهي بخطر الداخله ام يراي حل ابن مسله ديكر باز باید رجوع پسایق کرد لاید خوالندکان محترم منذکر أهستند كه ماد موازل وبمند خيل زيبا و سيبح المنظر بود و در بعضی از جراند که مکس آن رسم شد . وَبِيالَي إِن لَها إِن أَو همواره مخاوظ كُنند وده است

بعنى مريض از جان كدشد_ المائق برستار جان داده

جان نتاری و فدا کاری دختر جوان اظهاری نمی کند معلوم است در ضمن بستن جراحات و آوردن غذا و دوا ملاقات و مهازلالي با دختر مي كرد ولي ريمنــد كه ابدا نصور ابن خبال را نمي كرده است جندان مد ار زیاد پرستاری از مریش خود لازم نیست دو روز بك مرابه یا جند روز یك مرابه باو سر مبرده است ولی خمین مقارکه و مفارقت آنش عشق لوین را دامن مبزره

و این نمام نشد لوین امی خواسته است که

خویشاش بامهد در صدد اجسی بر آیند آرزو های همه را از بافتن دختر بي جاره قطع مي ڪند بعني یك افر نمش دخـتر را كه شیاهت بسربمند داشته در بيش لحقيقات مفتين من كالماد آن وقت

و یك كشف دیكر در ساعت بعد خبر آوردند اكر همه باور كنند من آنقدر سأده نيستم دايل مبخواهم

آن را کسور می کردم

اخارفاره

بی سیم پاریس ، فرأنه - وزير ماليه صورت عوائده بالبات هماى متفرقه ماه سيتامع ١٩٢٢ را لهيه أموده است •

طیدات مزبور بالغ پر بك ملهارد و هشلصد و سيزده عليون و هشلصد وهنتاد و سه هزار فرانك می دود .

عوالد خزانه اله ماهه سال جارى

و در ۱۹۸۹ و ۱۹۷۹ از میزالی که قبلا إن إن عده اخاله شده است .

فرائسة ـ مَيْزان اطلة كه در دفعه پنجم برای مسبیت زدکان ژاپون جم اوری شده بالغ ير - ۱۸۹۹۱۸ فرالك مي شود . کلیه امانه ای که ۱۲ سےنون جمیع اوری شدهٔ پدوملبون و ۲۷۴،۰۲۹ فرانك نیرسد

فرالمه مد دكتر رو در اكادم فرانسه ياد داعت دو نفر المحصروب علماسي كه الحبرا دو لحون مرضای سَرَ حَکَی اکتشاف مبكروب مرض مزبوروا تموده الد قرأات كردم

علیای مزبووکه موسوم به (سوایم اولی و کیر سورکان) مبیاشند مفتقدند که میگروب مزور در موقع ازدیاد ب در خون ظمر و پس آزازول کب درادراز پیدا می شود الیان - حبجالی که هنله آخر در فواحى اشفال شده ایجاد شده بود رو به

ألطالا أنت و ﴿ ﴿ إِنَّ اللَّهُ مخبر جریده (یق پاریزین) اشعار می دارد که تجار و اربایان سناسع قسیت بهامورين فراقسه بواسطه أينكم مثار اليهم عليه مي الرابي وعدم لنقايم وا جاو كدى كرده الد و بدون ابن که قباره از خون اهالی ربخله شود حق شناس میباشند .

مطبوعات طارحه

گرچمه از از ویستیا مورخه ۲۸سیتامبر

فركبه محتاج به كندم روسيه است از ويسليا ٢٦ سيتامبر (أن كيف) معارن اماينده الجاراي الحاد حماهير شوروي دو تركيه اخيرا أو اسلاميو ل وارد شده است أظهارداشتكه قدغن ورود امعمه دوسي باسلامیول از طرف اولها ی عنمانی هنوز بالى أست ولى دو ابن باب مذاكرات وضابت يهنئن إين ﴿ مُورَ كَبِسُ ﴾ قَمَا يُنذُ تَا تُعَدِّلُ ا روس و (زواوااز بور) نماینده اجارای شوروی از بک طرف و دولت آنقره از یک طرف دیگر در جریان آست در کرکیه غهخبلي كعباب شده وكسرسأل جارى مقجأوز از نیسد هزار آن (قریب آنیسد و او د خروار) مُبِياشد يِنَا بِن ابن صدور خله از روسیه طرف اوجه عضوس لرکها واقم خواهد کردید --

معاهده نجارتی روس و کرائے مذاكرات واجع يعقد قرأر داد أجارتي يون روسيه و تركيه ادامه دارد در مساله

تغييل سنرل

منزل دكمتر اقايان وكبل درخبابان فوام السلطنة مقايل وزارت اجليله جنك واقع است لمره اعلان ۲۹۴ ۴ - ۴

اعلان

مهانخانه اقتصاد ـ طهران دروازه قزوین دارای شرات منظم و مراب وجراغ برق و غارب ژبمناسئیك و قسراأت الله و كلاس اكابر ورستوران نظيف وأنواع خوراك های ایرالی و فراکی می باشد

از مسافرین و واردین وسع قیمت ن نسره اعلان ۲۰۰ ، ۲ - ۱۰.

و گر اسرع اوقات قرار داد الجاراي مزاور

سایر مهمان خانه ها دریافت می دارد از طرف داران اقتصاد و ساحیان عقل معاش القياضا من شود يك دفعه هم شده تشريف أورده وضعبت أقتصادى والمشاهد فرمايند

سم كاراث بدرك

برای مذاکر مرجوع شود به خانه جنب کاراژ

انعتمأد خواهد بافت

قرار أداد قولدولي الوأفق تظر خاصه ل

قرار داد مذ كور عنقرب امضاء خواهد

كرديد م مدًا كرات راجع به وفقداد ن

اسولی که در نمیانه انجارت در دو مماکمت

عثما أني و الحاد جماهير شوروى حكمفر ما

استجریان دارد بنابظهار ات (زیو قاربور)

تمایند. گجارای روس در خاك عایانی در

مسئله فوق ابز راه حل با الراك بهدا شده

بسیار عالی راحت و کافی برای چندین اکومیل در چهاررامخیابان دو ات -بالای جهار رأه سبه طی _ بقیمت مناسب اجاره داده میشود

المرد اعلان ۱۰ - ۱۰ ما ماد المرد اعلان ۱۰ - ۱۰ ماد المرد اعلان ۱۰ ماد المرد ا

آمره اعلان ۲۷۸

رُوز شنبه لهم ربيع الاول سه ساعت يقروب مانده ماينكي در جلوخان بهارستا ن وأجع به اللخابات و اوضاع جارية اقتصادى داده خواهد شد حوم علاقه مندان وا باسلماع دعوت مي امائيم محمد ازازادي خواهان

ان النبر OVOMALTINE

بهترين غذاها و نافع كربن دواها است

پرم فردی لازم و واحب است که پرای حیات و زندگانی بدن خود راقوی داشته-خصوصا أشخاسيكه داراي إستعداد مزاج كسبي و ارثى پراي أخذ هر ونه امراض حاده و حرمته مبياشتد - إشخاص آلميك (كم خوش) د عدرات بس أز وضم حل ك رَاأَن شيره - الحنال ضميف وغيره وغيره . • •

لازم است که صوم در صدد برآمده پوسیل دوای جربی بدن را فوی د اشله و کارپولهای قرمز خون که آشکر بدن محسوب می شوند پوسهه آن دوا آشافه شده تا بدن در مقایل میکرویهای خارجی که عیارت از دشمن بدن است مقاومت آموده معون یاند از اینرو باسدای رسا بشارت سدهد

ومالتین دارای ارکبیات طبیعی است سه دسته پزواد مواد غذائی که پرای حیات السالي لازم أستُ در بن دارد - القهدين وا بواسطه ، ثار متعدم حود قدريه مبلمايد خواكيتي كه يس از وضع حدل دجار بي خولي و بريده رنك ميكردند بوادهه استعمال اوماليتن خون بدن أنها زياد كثية سرخ رو كونه ها كلي رنك صورت بشاش وفريه مبدوند أومالتين شير زانان شيرده وا زياد مبكرداند ودوشير ابراني بخشيد. حسكه اطنال وا قوى مهنماید معنصوص موقع رشد و نمو اطفال استمهال او مالتبن استعنوان آنها را محكم مهكردالمد بُراي اشخاص محصل مخصوصاً آنها أبكا يعطالمه كتب و انشاء مقالات متعولند و فرحات عنى وروحي آ أنها زياد است المتعمال اوماللين بسبار لازم است نا مواد فسفوري كه دماغ بمصرف عبرساند بدل ما بتحلل اموده و قوه حافظه را نكاه دارى لهابد .. براى السات ابن مدما واثرات معجز نهای این دوا از اشخاصیکه اومالتین را استعمال نموده نحتیق تا إثرات آن مكنوف كردد _ حال نفار به نتابج البكوئي كه أبن دوا در نهام اروبا ظامر ساخته و قیسلا هم در ایران محل توجه یوده دوا خانه باستور وارد نموده و بهم وطنان خود مرده میدهد. حسکه برای حنظ قوای دماغی راوحی بدن و مصون بودن از بعضی امراض استعمال اومالتين بسبار لازم و منيد خواهد بود ا

على فروش _ دوأ خانه بإستور خيابان جراغ برق _ طهران

القاني كه أز شهر ها مايل نمايندكي بأشند يراى فروش اومالتين خود رايدواخانه معرقي تعوده تا قرار داد مخصوصي داده شوه

1.00 - 21 لمره أعلان ١٩٤

صل مساله

ندره اعلان ۱۷ ۹۹۹ - ۵ - ۵

قسمت دوم اذ اصول تدریس حساب و حل مسائل فکری

كاغل عكاسي

اور وارد ادوده کارت بستال عکاری ایز مال لومیر موجود است

خبابان لاله زار بمنازه بارسي زجوع كنهد

امزه اعلان ۱۹۵۶:

هذه المرة مات ويراق مال كار خأنه (الومير ژوكلا) حديداً دوا خانه حمد الروشي

ماشين ^بڪري**ر**

یك دستگاه ماشین تعریر ازکارخانه (آانلو) آمره ۷ بقار کی وارد شده

حل شده با دایل حباب و هندسهٔ مخصوص داو طلبان تصديقامه ابتدائي دولتي

الدغب الدغب

فيلمه أز دار المملمين ورساى و فاكولته علوم باريس

که از حیث حسن طیسع در زدیف کلب ،صری و پیرولی و ازجیت موشوع بدال تظیر ان العدار نبافته اخبراً از طبع خارج و در کنا بعاله سمادت عبابان نامریه بغروش میوسد احمد سادت امرد اعلان ۲۹۷

اعلان

مایه آیه اعل و اقسام سرمها و واکس ما بعانی وارم هده سفارش ولايات باول وسهه ارسال مبعود ميرزا غلامل دوا فروش و بسران خيابان السريه طهران in, into Asy

بشارت بع مجتلایان سون الا

شفاى كامل با اسلمال حي هاى البرت

عجارب معددی که در این اواخر در رویخواس فیزیولوژیک شهمیاوی اسالی سانطال خالس بواسطه فروفس ما و دانشمندان فرانسه عده ثایت میشود که کرکیسات او اواین دوانی است در ممالجه امرآش مجازی آدرار بخسوس این کیسول های مرکب با اسانس سائطال عَالَمَنْ وَأَسَائِولَ وَ قُورُونِينَ وَ يَلُو دُونَتِهِلَ كَهُ ﴾ وقت و اختباط قوق العساد درباریس درست شده و مرسوم به حب البرت می باشد بهترین فرکب معروف آمهوز است كه در مسالحه شوزاك خدمت بزركي يه ميتلايان تموده و در الدك مدني أنها را از رقع سوزاله بدون عوارض دیگری آسوده و شفای کاللی میدهد کدر خوراله از عش کیسول کا هفت کیسول در روز مهنوان خوده از کرد ا

بورس

خريد فروش اورس _ طهران يورس - باريس 10-10P -1P-40 اندن مكتوبي YO-EA لبويورا 17-1700 10-YO 10- الكراق ألمان ·_ ** 71-0. AD ياريس ولمزيك A0_4. IAE -سويس اسيأنى أبويرك 1 -- 10 1-40 LIL Y0-Y. 414- 4+4-رويه بموس 799-0.

شركت مطبعه مدرن